



ترامپ که با شعار رئیس جمهور صلح وارد کاخ سفید شد نه تنها به ۸ جنگ قبلی پایان نداد بلکه احتمالاً نبرد تازه‌ای را آغاز می‌کند

ونزوئلا؛ باتلاق نهم



علی ملکی

خبرنگار گروه سیاست

دونالد ترامپ در تلاش است تا اگر مای پوستی دست راستش را با آغشته کردن به خون مردم ونزوئلا پنهان کند. هنوز دو هفته از مراسم اهدای جایزه خودساخته صلح فیفا به دونالد ترامپ نگذشته که فشار آمریکا علیه ونزوئلا وارد مرحله خطرناکی شده است؛ مرحله‌ای که ترکیبی از «آرایش سنگین نظامی» و «مشروعیت‌سازی حقوقی» برای اقدام نظامی احتمالی را در خود دارد. در حالی‌که واشنگتن مدعی «جنگ با مواد مخدر» است، آنچه در میدان رخ داده، پیشتر به یک «عملیات نظامی هدفمند» علیه کاراکاس شباهت دارد تا یک برنامه کلاسیک ضدقاچاق.

از زمانی که ارتش آمریکا یک قایق در آب‌های منطقه را هدف قرار داد و ۱۱ نفر را کشت (ماه سپتامبر)، موجی از حملات دریایی و هوایی آغاز شد که طی آن دست‌کم ۲۱ شناور دیگر در کارائیب و اقیانوس آرام منهدم شدند. برآیند این عملیات‌ها ۸۳ کشته است؛ آماري که سازمان ملل متحد آن را «اعدام‌های فراقضایی» معرفی کرده است. نکته مهم این است که آمریکا تاکنون هیچ مدرک معتبری ارائه نکرده که نشان دهد شناورهای هدف واقعاً حامل مواد مخدر بوده یا تهدیدی ایجاد می‌کرده‌اند. این عملیات‌ها در حالی توجیه می‌شود که داده‌های رسمی خود آمریکا روایت «ونزوئلا به‌عنوان مسیر اصلی قاچاق به ایالات متحده» را نقض می‌کند. گزارش سال ۲۰۲۰ اداره مبارزه با مواد مخدر آمریکا نشان می‌دهد (۷۴ درصد) کوکائین ورودی به آمریکا از مسیر اقیانوس آرام می‌آید و تنها ۸ درصد آن از طریق قایق‌های تندرو کارائیب منتقل می‌شود. از سوی دیگر، ونزوئلا یک کشور ترانزیتی است و روشن است که کشتی‌های عبوری از آن به اروپا می‌رسند. همچنین ادعای ترامپ درباره حمل مخدر «فتنایل» نیز با واقعیت‌های جغرافیای تولید این ماده هم‌خوانی ندارد. فتنایل نه در آمریکا جنوبی تولید می‌شود و نه مصرف قابل توجهی دارد و زنجیره اصلی آن به مکزیک و مواد اولیه آسیایی برمی‌گردد.

هشت صلح شیشه‌ای

ترامپ در حالی بارها بر پایان‌دادن به ۸ جنگ اشاره کرده و براین اساس خود را بهترین رئیس جمهور آمریکا می‌داند که روایت‌های میدانی کاملاً ادعای او را نقض می‌کنند.

۱- اولین مورد، درگیری کامبوج و تایلند بود؛ نبردی پنج‌روزه که تابستان امسال با آتش‌پس متوقف شد و دو طرف در بیانیه‌ای مشترک از نقش ترامپ قدردانیی کردند. اما این «صلح» چندان دوام نیاورد و تنها چند ماه بعد، تایلند حملات هوایی جدیدی علیه کامبوج انجام داد و واشنگتن ناچار شد دو طرف را به پایبندی به تعهداتشان فرا بخواند. در آخرین مورد و هم‌زمان با

نگارش این گزارش، درگیری‌های شدیدی در «تپه ۳۵۰» در شمال کامبوج، گزارش شده است.

۲- جمهوری دموکراتیک کنگو رواندا جایی بود که ترامپ شخصاً میزبان مراسم امضای توافقی در مؤسسه صلح آمریکا شد؛ ساختمانی که حالا نام او را بر سرسرد دارد. اما این توافق هرگز توسط ائتلاف اصلی شورشیان امضا نشد و جنگ عملاً ادامه یافت تا جایی که همان روز، انفجار بمبی در شرق کنگو بیش از ۳۰ کشته برجای گذاشت.

۳- ترامپ همچنین اختلاف «اتیوپی و مصر» بر سر سد نیل را در فهرست جنگ‌ها قرار داد؛ درحالی‌که این پرونده اساساً «جنگ» نیست، بلکه یک مناقشه دیپلماتیک حل نشده است که هرگز به درگیری نظامی مستقیم نرسیده است.

۴- درباره «صربستان و کوزوو» نیز، نهایتاً می‌توان از «جلوگیری از تشدید تنش» سخن گفت، نه پایان‌دادن به یک جنگ واقعی.

۵- در «جنگ غزه»، اگرچه آتش‌بسی در اکتبر برقرار شد، اما ارتش اسرائیل بارها آن را نقض کرده و در هنگامه برقراری آتش‌بس تعداد شهدای غزه از هفت اکتبر تاکنون از ۷۰ هزار نفر گذشته. صهیونیست‌ها توافق را نقض کرده‌اند و مرحله دوم توافق نیز اجرایی نشده است.

۶- مورد بعدی جنگ ایران و رژیم صهیونیستی است؛ جایی که آتش‌بس نه با نقش آفرینی آمریکا که به دلیل قدرت موشکی ایران و ضربات سختی که به رژیم‌صهیونیستی وارد شد، به وقوع پیوست.

۷- دو مورد پایانی، «هند و پاکستان» و «ارمنستان و آذربایجان» هستند. در اولی، دهلی‌نو نقش آمریکا در آتش‌پس را رد کرده، هرچند اسلام‌آباد از ترامپ تمجید کرده است. در دومی نیز صرفاً بیانیه‌ای برای «تلاش جهت صلح» امضا شده و هنوز هیچ توافق نهایی‌ای وجود ندارد. حالا نه‌تنها ادعاهای دروغین ترامپ مبنی بر پایان این مناقشات رد شده، بلکه او مستقیماً به فکر ترتیب‌دادن جنگی دیگر است.

بزرگ‌ترین لشکرکشی در کارائیب

هم‌زمان با این حملات، آمریکا بزرگ‌ترین آرایش نظامی خود در کارائیب از زمان تهاجم ۱۹۸۹ به پاناما با شکل داده است. ورود «گروه آمادگی آبی خاکی ایوجیما» در آگوست و سپس استقرار ناو هواپیمابر «جرالد آر. فورد» در نوامبر با بیش از ۴ هزار ملوان، جنگنده‌های تاکتیکی و ناوهای پشتیبان، وزن نظامی بی‌سابقه‌ای به منطقه داده است. گاردین مجموع نیروهای آمریکایی را حدود ۱۲ هزار و ۷۰۰ نفر برآورد کرده است؛ عددی که برای اشغال زمینی ناکافی است، اما پشتیبانی موجی از حملات هوایی را دارد. در فضای سیاسی، تروریستی اعلام‌کردن «کارتل د لوس سولس» (کارتل خورشیدها) و نسبت‌دادن آن به مادورو، حلقه تکمیل‌کننده این پازل

است؛ اقدامی که می‌تواند مهمات حقوقی لازم برای حمله نظامی را فراهم کند. در مقابل ارتش ونزوئلا این اتهامات را «دروغی سخیف» برای توجیه مداخله‌ای غیرقانونی می‌داند.

درنهایت ترکیب حملات مرگبار بدون توجیه واقعی، استقرار گسترده نیروها، هشدارهای امنیتی به خطوط هوایی و آماده‌سازی حقوقی، نشان می‌دهد فشار آمریکا از سطح تهدید و تحریم عبور کرده و به آستانه یک پورش همه‌جانبه و مستقیم نزدیک شده است؛ پورشی که می‌تواند علاوه بر حذف دولت مادورو، میلیون‌ها غیرنظامی سلاکن سواحل شمالی ونزوئلا و پایتخت این کشور را به خاک و خون بکشد.

مجوز کنگره؟

ترامپ برای حمله نظامی به ونزوئلا نیازی به مجوز کنگره نمی‌بیند؛ چراکه به‌راحتی می‌تواند قانون مربوطه را دور بزند. پیش‌تر «دفتر مشساوره حقوقی وزارت دادگستری آمریکا» تصریح کرده است که بند «اعلان جنگ» در قانون اساسی ممکن است در برخی موارد محدودیتی بر اختیارات رئیس جمهور ذیل ماده دوم قانون اساسی ایجاد کند، اما این محدودیت به‌صورت خودکار شامل «همه اقدامات نظامی» نمی‌شود. براین اساس، تشخیص اینکه یک اقدام نظامی در سطح «جنگ» قرار می‌گیرد یا نه، نیازمند بررسی موردی و دقیق بر اساس سه معیار «ماهیت، وسعت و مدت‌زمان مورد انتظار» عملیات است. دفتر حقوقی وزارت دادگستری تأکید کرده است که این معیار معمولاً فقط در مورد درگیری‌های نظامی «گسترده، طولانی‌مدت و پرشدت» صدق می‌کند؛ درگیری‌هایی که در آن نیروهای آمریکایی به‌طور مستمر در معرض خطرات جدی قرار می‌گیرند. بر همین مبنا، دولت‌های آمریکا در دهه‌های اخیر بارها استدلال کرده‌اند که حملات محدود، هوایی یا دریایی، عملیات هدفمند یا ضربات کوتاه‌مدت، ذیل اختیارات رئیس‌جمهور به‌عنوان فرمانده کل قوا قرار می‌گیرد و نیازمند مجوز قبلی کنگره نیست. مصداق تازه این تفسیر، اقدام نظامی مستقیم ترامپ علیه ایران بود که بدون مجوز کنگره انجام شد. در همین چهارچوب، دولت ترامپ استدلال می‌کند حملات به قایق‌ها یا اهداف مشخص در ونزوئلا، به‌دلیل «محدود، کوتاه‌مدت و غیر جنگی» بودن، به سطحی نمی‌رسد که مشمول مجوز کنگره شود.

جنگ انرژی

خیز ترامپ در کارائیب را نمی‌توان فقط در چهارچوب مبارزه با یک دولت چپ‌گرا تحلیل کرد. آنچه در پس آرایش نظامی آمریکا مقابل سواحل ونزوئلا قرار دارد مربوط به منافع اقتصادی و انرژی این کشور نیز هست. طبق گزارشات مؤسسه EI ونزوئلا با در اختیار داشتن حدود (۳۰۳ میلیارد بشکه ذخایر نفت قابل استخراج، بزرگ‌ترین دارنده منابع نفتی جهان است؛

ذخایری که ارزش آن‌ها بسا فرض نفت «۶۰ دلاری»، به بیش از «۱۸ هزار میلیارد دلار» می‌رسد. چنین حجمی از ثروت طبیعی یک هدف راهبردی مهم برای واشنگتن است.

ترامپ در دوره اول خود با حذف نفت ونزوئلا و ایران از بازار جهانی، عملاً فضا را برای رشد تولید و صادرات نفت شیل آمریکا باز کرد و جای خالی این کشورها را با انرژی آمریکایی پر کرد. اما این معادله از سال ۲۰۲۱ به هم خورد؛ زمانی که همکاری نفتی ایران و ونزوئلا آغاز شد و با تأمین میعانات گازی، تولید نفت ونزوئلا دو باره مسیر صعودی گرفت و به حدود یک میلیون بشکه در روز رسید. هم‌زمان، چین نیز به بزرگ‌ترین خریدار نفت ونزوئلا تبدیل شد و روزانه بیش از ۴۰۰ هزار بشکه نفت از این کشور خریداری کرد. با بازگشت ترامپ به کاخ سفید، فشار اقتصادی دوباره تشدید شد؛ از تهدید خریداران نفت ونزوئلا با تعرفه ۲۵ درصدی تا لغو مجوز شسورون. اما وقتی تحریم‌ها کارایی خود را از دست دادند، گزینه نظامی بیش از هر زمان دیگری روی میز قرار گرفت. در این چهارچوب، تنش نظامی ادامه همان جنگ انرژی است؛ جنگی برای مهار نفت، حذف رقبا و بازگرداندن ونزوئلا به مدار منافع آمریکا.

نظرافکار عمومی آمریکا درباره جنگ با ونزوئلا

افکار عمومی آمریکا کمترین همراهی را با سناریوی یک جنگ جدید در آمریکای جنوبی نشان می‌دهد. نظرسنجی مشترک CBS و YouGov که بین ۱۹ تا ۲۱ نوامبر انجام شده نشان می‌دهد ۷۰ درصد آمریکایی‌ها با اقدام نظامی علیه ونزوئلا مخالفند و ۵۶ درصد معتقدند حتی در صورت حمله، این اقدامات تأثیری بر «میزان ورود مواد مخدر به آمریکا» نخواهد داشت. هم‌زمان، نظرسنجی رویترز/ایپسوس نیز نشان می‌دهد اکثریت آمریکایی‌ها بر این باورند که ه‌زنه‌ها و خطرات حمله نظامی به ونزوئلا بیش از منافع آن است؛ هرچند این نگاه تحت‌تأثیر شکاف‌های حزبی قرار

دارد و جمهوری‌خواهان همراهی بیشتری نشان می‌دهند.

در میان جمهوری‌خواهان نیز شکاف در حال گسترش است. «ژند پال»، سناتور جمهوری‌خواه کنتاکی، هشدار داده که حمله به ونزوئلا می‌تواند به شکاف در پایگاه سیاسی ترامپ منجر شود. او تأکید کرده بسیاری از حامیان رئیس‌جمهور به دلیل پرهیز او از جنگ‌های خارجی به وی رأی داده‌اند و ورود به یک جنگ تازه، این سرمایه سیاسی را تهدید می‌کند. حتی سناتورهای که مستقیماً با دولت زاویه نگرفته‌اند، از ادامه عملیات نظامی ابراز نگرانی کرده‌اند. «تاد یانگ»، سناتور جمهوری‌خواه ایندیانا، اعلام کرده که رویکرد کنونی دولت آمریکا در کارائیب با خواست اکثریت آمریکایی‌ها که خواهان کاهش درگیری‌های نظامی خارجی هستند، هم‌خوانی ندارد.

تأثیرات اقتصادی جنگ بر ایران

دارای منافع مالی هستند. در مقابل این جنگ برای آمریکا و اروپا همراه با سود، دارای زیان نیز بوده است. اگر در جنگ سال ۲۰۲۰ قریب‌اغ اهمیت پهپادها آشکار شد و این سلاح محوریت داشت، در جنگ اوکراین محوریت با کوادکوپترهاست. اهمیت یافتن تولید کوادکوپترهای انتحاری از آن‌روست که ۷۰درصد تلفات در خط مقدم ناشی از این دستگاه‌هاست. نقش این تجهیزات در تلفات کالی جنگ باید کمی کمتر از ۷۰درصد باشد، زیرا سهم تلفات انسانی در حملات عمقی پهپادها و یا بمباران با بمب‌های هدایت‌شونده، زیاد نیست و عمده تلفات در خطوط مقدم رخ می‌دهند. دولت‌های غربی بر اساس تجارب جنگ اوکراین در حال تطبیق خود با شرایط این واقعه هستند. در اروپا و آمریکا تولید تانک، باروت، خودروهای رزمی و ریز پرندها در حال افزایش است؛ سلاح‌هایی که بسیاری از آن‌ها در مراحل متعددی از زنجیره تولید خود، به چین وابسته‌اند. بدتر آنکه غرب در حال تطبیق با شرایط جنگ با روسیه است که در آن نبردها به‌صورت زمینی جریان دارند، اما درگیری با رقیب اصلی این جبهه یعنی چین، دارای مختصات متفاوتی است. گرچه طی جنگ کره در دهه ۱۹۵۰، آمریکا و چین در زمین شبه‌جزیره به طور مستقیم با یکدیگر وارد نبرد زمینی شدند، اما از دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ به بعد، سناریوهای متعددی، درگیری بنیادین بین این دو را در دریا پیش‌بینی کرده‌اند. شاید در تایوان و شبه‌جزیره کره نبردها زمینی شوند، اما اساس رویارویی دریایی خواهد بود. آمریکا باید از راه دریا قوای خود را به پیرامون چین برساند و پکن نیز برای جلوگیری از این اتفاق مجبور است در راستای اقدامات ضددسترسی خود در دریا، راه را بر واشنگتن در آب‌های مجاور خود ببندد، چینی‌ها بر این حوزه تمرکز داشته‌و در حال تولید سلاح‌های مرتبط با دریا هستند. پکن در همین راستا چندی قبل سومین ناو هواپیمابر خود را وارد چرخه عملیاتی کرد. آن‌ها در هوان نیز بر ساخت هواگردهای سرنشین‌دار از جنگنده‌های نسل پنجم و بمب‌افکن تا توسعه جنگنده‌های نسل ششم تمرکز کرده‌اند.

تأثیرات اقتصادی جنگ بر ایران

تأثیرات اقتصادی جنگ بر ایران

تأثیرات اقتصادی جنگ بر ایران

تأثیرات اقتصادی جنگ بر ایران

تأثیرات اقتصادی جنگ بر ایران

هماهنگی با یکدیگر دراین خصوص عمل خواهند کرد. مشکل اما آنجاست که بخش بیشتر پول روسیه در بلژیک قرار دارد و برای موفقیت باید نظر این کشور را جلب کنند. دولت‌های قدرتمند اروپایی پیشنهاد صادره اموال روسیه را در مقطع کنونی با دو هدف ارائه کرده‌اند؛ نخست ضربه به طرح توقف جنگ که مورد خواست آمریکا و روسیه است و دوم ادامه‌دادن جنگ با پول روسیه در فقدان حضور آمریکا.

محور اصلی جنگ

کوادکوپترها محور اصلی جنگ اوکراین‌اند و باید تحولات مرتبط با آن‌ها را ارزیابی کرد.

اوکراین و روسیه هر دو به قطب تولید یا مونتاژ کوادکوپتر تبدیل شده‌اند. روسیه ۴ میلیون و اوکراین نیز ۴ میلیون از این دستگاه تولید می‌کنند. فاصله این دو با دیگر بازیگران به میزانی است که آمریکا تلاش دارد در برنامه‌ریزی بلندمدت به تولید یک میلیون در سال دست یابد. نیازهای جنگی، روسیه و اوکراین را بسه تولید چنین حجمی از ریز پرندها رسانده و کشورهای غربی از جمله آمریکا در حال حاضر صرفاً به دنبال برنامه‌ریزی برای رشد تولید در آینده‌اند، اما چنین می‌تواند ۸ میلیون ریز پرند در سال تولید کند. برتری چینی‌ها به رتبه و کمیت تولید نیست بلکه آن‌ها بر بازار تسلط دارند، زیرا عمده قطعات ساخت ریز پرندها از چین تهیه می‌شود. جنگ اوکراین با بازار سلاح و قطعات چین رونق بخشیده و این کشور از دو طرف جنگ بهره می‌برد، آن هم درحالی‌که خود به نوعی در یک طرف جنگ تلقی می‌شود. چینی‌ها کوادکوپتر و دیگر ریز پرندها را در بازار به شکل مستقیم و غیر مستقیم در اختیار روسیه، اوکراین و مشتریان زیادی در سراسر جهان قرار داده و برای مراکز تولید داخلی آن‌ها، قطعات، نقشه‌های طراحی و خطوط مونتاژ تأمین می‌کنند. برای تمام ملزومات اقتصادی و نظامی جنگ چینی‌ها



سیدمهدی طالبی

پژوهشگر حوزه بین‌الملل

طرح ۲۸ ماده‌ای دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا برای توقف جنگ در اوکراین با چانه‌زنی اروپا به ۱۹ ماده کاهش یافته اما همچنان خبری از پذیرش آتش‌بس نیست. ولادیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین در روزهای اخیر با اعلام اینکه دیگر خواهان پیوستن به ناتو نیست، تلاش کرده رشم نشان دهد اما او عملاً با الفاظ بازی کرده است.

روسیه و آمریکا به‌صورت دوجانبه توافق کرده‌اند بندی در قانون اساسی اوکراین وسند ناتو برای این موضوع اضافه شود ولی کیف تنها اعلام کرده دیگر خواهان پیوستن به ناتو نیست. اوکراین همچنین می‌گوید حاضر به عقب‌نشینی در دونباس نیست. این موضع‌گیری اساس موضع کیف را نشان می‌دهد زیرا عدم تحققش به معنای تداوم نبرد است. هم‌زمان با مانورهای سیاسی اوکراین، اروپا از تمایلش برای مصادره ده‌ها میلیارد دلار از دارایی‌های روسیه در مؤسسات ملی قاره سبز خبر داده است. اروپا پیش‌ازین از سود دارایی‌های م‌زبور برای کمک به اوکراین استفاده کرده بود. در این گزارش به بررسی ابعاد مختلف و مناسبت مرتبط با جنگ پرداخته شده است.

روند جنگ

درباره روند جنگ نکات ذیل اهمیت دارند.

۱- روسیه در اقتصاد با همراهی چین در خرید انرژی و فروش کالا، کمک ایران در دورزدن تحریم‌ها و جدیت شرکایی مانند هند و تا حدی بازیگرانی مانند ترکیه در حفظ روابط با مسکو تحت فشارهای غرب، موفق به پایداری در جنگ شده است. از نظر سیاسی، روند تکرر قدرت در جهان فشارهای غرب را علی‌رغم جسورتر شدن این جبهه کم‌اثر کرده است.

۲- در میدان نظامی، روسیه در حال مدیریت تلفات خود است. به‌جای پیشروی‌هایی همانند ابتدای جنگ، روس‌ها خود را در